

دلشده

www.ketab.ir

تحلیلی بر احوالات عارف توحیدی

مرحوم سید هاشم حداد

انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی
شمس الشموس

عنوان کتاب: دلشده

نویسنده: هیئت تحریریه مؤسسه
فرهنگی- مطالعاتی شمس الشموس

ناشر: انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطالعاتی
شمس الشموس

نوبت چاپ: هفتم، زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۰-۰۱-۴

قیمت: ۲۵۸,۰۰۰ تومان

آدرس سایت: www.shamsbook.com

پیج اینستاگرام: [@shams_publication](https://www.instagram.com/shams_publication)

نام پدیدآور: هیئت تحریریه مؤسسه
فرهنگی- مطالعاتی شمس الشموس

عنوان: دلشده، تحلیلی بر احوالات عارف
توحیدی مرحوم سید هاشم حداد.

مشخصات ظاهری: ۳۲۷ ص. ۲۱*۱۴,۸
مشخصات نشر: تهران: شمس الشموس،
۱۳۸۶.

وضعیت فهرست نویسی: فیفا
عنوان دیگر: تحلیلی بر احوالات عارف توحیدی
مرحوم سید هاشم حداد.

موضوع: ۱. حداد، هاشم، ۱۹۰۰-۱۹۸۳ م.

۲. عارفان - سرگذشت نامه ها

رده بندی کنگره: ۴۵۸ ح/۵/۲۸۴ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۹۲۴

کتابشناسی ملی: ۱۱۳۴۶۲۰

تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد،
نبش کوچه دوست محمدی، پلاک ۱۵.

تلفن: ۰۹۱۰۱۹۳۲۱۱۴، ۸۸۴۰۶۰۵۵

مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی شمس الشموس

دانشجویان دانشگاه های تهران

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱۲۴
مقدمه.....	۱۲۵

فصل اول: زندگی‌نامه

ولادت.....	۷
والدین.....	۸
نیاکان.....	۹
استاد.....	۱۱
تحصیلات.....	۱۳
خانواده.....	۱۴
وفات.....	۱۵

فصل دوم: دلشده

إن لله شراباً.....	۲۳
إذا شربوا سَكروا.....	۲۵
و إذا سَكروا طَرَبوا.....	۲۷
و إذا طَرَبوا طابوا.....	۳۴
چشم‌پوشی از طبیعی‌ترین خواسته‌ها و نیازها.....	۳۶
دست‌شستن از دنیا و زخارف آن.....	۳۸
دوری از مقام و شهرت یافتن نزد دیگران.....	۳۸
گذشت از آزار و اذیت اطرافیان.....	۳۹
پشت‌پا زدن به کرامات و حجب نورانی.....	۳۹

۴۳	و إذا طابوا ذابوا.....
۵۲	و إذا ذابوا خَلَصُوا
۵۲	و إذا خَلَصُوا طَلَبُوا.....
۵۳	و إذا طَلَبُوا وَجَدُوا.....
۶۰	و إذا وَجَدُوا وَصَلُوا.....
۶۳	و إذا وَصَلُوا إِتَّصَلُوا.....
۶۵	مراتب فنا.....
۶۹	هدایت به ذات.....
۷۶	گوشه‌هایی از احوالات شخص فانی.....
۸۴	و إذا اتَّصَلُوا لَا فَرْقَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ حَبِيبِهِمْ.....
۸۶	مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عِنْكَم.....
۸۹	تشنه دیدار دوست راه نپرسد که چند.....

فصل سوم: بالانشین

۹۳	نماز.....
۱۰۷	باده پرست.....
۱۱۱	مشکات یار.....
۱۱۲	بالانشین.....

فصل چهارم: لطافت سلوکی

۱۱۹	توحید در اخلاق.....
۱۲۲	محبت در خانواده.....
۱۲۴	مهربانی با شاگردان.....
۱۲۵	خدمت در منزل.....

۱۲۹	 خدمت به شاگردان
۱۳۳	 تربیت فرزندان
۱۳۶	 تعلیم فرائض
۱۳۷	 پدر و مادر
۱۳۹	 لطافت سلوکی
۱۴۳	 سخن آخر

فصل پنجم: اخلاق عارفانه

۱۴۹	 تواضع
۱۵۳	 فقر
۱۶۴	 سخاوت

فصل ششم: آیین دلبری

۱۷۳	 آیین دلبری
۱۷۴	 لزوم استاد کامل
۱۷۵	 ویژگی‌های استاد کامل
۱۷۵	 ۱- علم الهی
۱۷۷	 ۲- بصیرت و دید نافذ استاد
۱۸۰	 ۳- عمل به شریعت
۱۸۲	 ۴- کتمان
۱۸۵	 ۵- تشخیص استعداد و ظرفیت شاگرد
۱۸۶	 توصیه به استقامت
۱۸۷	 توصیه به علم آموزی
۱۸۸	 معرفت نفس

۱۸۹.....	شاگردان
۱۸۹.....	۱- علامه سید محمدحسین حسینی تهرانی
۱۹۱.....	۲- حاج محمدعلی خلفزاده
۱۹۲.....	۳- حاج ابوموسی محیی
۱۹۲.....	۴- حاج موسی محیی
۱۹۳.....	۵- حجت الاسلام محمدصالح کمیلی
۱۹۴.....	۶- حاج آقای بیاتی
۱۹۸.....	۷- حاج حبیب سماوی

فصل هفتم: می بیغش

۲۰۱.....	در مراتب اخلاص
۲۰۵.....	معنای حقیقی شرک
۲۰۶.....	حقیقت اخلاص
۲۰۷.....	اخلاص و فراموشی اراده و اختیار
۲۱۱.....	در معنای لا حول و لا قوة الا بالله
۲۱۴.....	بندگی
۲۱۷.....	شرط وصال: ترک تمنا
۲۲۰.....	نور توحید
۲۲۶.....	اعوذ بک من غیرک
۲۲۸.....	هدایت به سبیل سلام تنها در رضایت الهی
۲۳۰.....	گفتمش ای دوست، دوست

فصل هشتم: آینه توحید

۲۳۵	معرفت و قبولی اعمال
۲۳۶	ولایت مندک در توحید
۲۳۹	ادب حضور
۲۴۱	دوست، ما را و همه نعمت فردوس، شما را
۲۴۳	معجزه حقیقی امام
۲۴۴	بکم فتح الله
۲۴۸	میدان عشق بازی
۲۵۳	عاشقم بر فخر و بر لطفش به جد
۲۵۸	هرگز زیان نبرد کش از خون بهای ما
۲۶۰	عاشورا دو روی یک سکه
۲۶۳	ثارالله: خون او خون خداوند ودود
۲۶۶	لنا مع الله حالات هو نحن و نحن هو
۲۷۰	امیری حسین فنعم الامیر
۲۷۲	دارم هوای عاشقی
۲۷۲	معرفت حقیقی امام
۲۷۵	تفاوت محبت و ولایت
۲۷۹	مهدی غریب
۲۸۳	سخنی با مولا

فصل نهم: بارقه مهر

۲۸۷..... الحمدلله وحده

۲۹۰..... گر تو نگیریم دست، کار من از دست شد

۲۹۵..... فهرست منابع

www.ketab.ir

پیش گفتار

ای عشق! ای نهانی ترین آشکارا!

ای که کسی نمی داند از کدامین روزنه بر دل ما می تابی و چگونه در تار و بود ما رسوخ می کنی و به هزار ضاعفه نگاهت درون ما را به آتش می کشانی.

«یا هو یا مَنْ لَا یَعْلَمُ مَا هُوَ لَا کَیْفَ هُوَ وَلَا أَیْنَ هُوَ وَلَا حَیْثُ هُوَ إِلَّا هُوَ»^۱

ای عزیز دست نیافتنی!

ای که جز تو، کسی تو را نمی شناسد، کیست که دم از تو زده و قدم در راهت نهاده و سرانجام به تو دست یافته باشد؟!

«کَیْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بَمَا هُوَ مُحَالٌ أَنْ یَصِلَ إِلَیْکَ»^۲

ای تنها حقیقت و مابقی سراب!

کجا بنگریم تا تو را ببینیم که هرچه هست جز وجودی خیالی و فانی نخواهد

۱- مفاتیح الجنان، دعای مشلول: «ای ذاتی که غیر او کسی نداند که او کیست و چیست و کجاست و چگونه است!»

۲- همان، دعای عرفه: «چگونه به تو توسل جویم به واسطه آنچه محال است به تو رسد؟»

بود و جز دوری از تو را برایمان به ارمغان نخواهد آورد!

«الهی تَرَدَدی فی الآثارِ یوجبُ بَعْدَ المَزار...»^۱

اما نه، محبوبا! چه نایبناست چشمی که تو را نبیند و چه زیانکار است کسی که حب و عشق تو در دلش نفوذ نکرده باشد؛

«عَمِيتَ عَيْنٌ لَا تَرَاکَ عَلَیْهَا رَقِیْباً وَ خَسِرْتَ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ یَجْعَلْ لَهُ مِنْ

حُبِّکَ نَصِیباً»^۲

ای سرآغاز و ای سرانجام حیات!

کی بوده است که نبوده باشی و کی خواهد بود که نباشی؟! مگر نه این است که از آغاز با ما بوده‌ای و تا آخر با ما همراهی خواهی کرد؟ برای همین است که نمی‌دانیم از کی تو را دیده و شناخته و عاشقت شده‌ایم.

«أَنْتَ الذی لَا إِلَهَ غَیْرُکَ تَعَرَّفْتَ لِکُلِّ شَیْءٍ فَمَا جَهِلَکَ شَیْءٌ وَأَنْتَ

الذی تَعَرَّفْتَ إِلَى فِی کُلِّ شَیْءٍ فَرَأَیْتُکَ ظَاهِراً فِی کُلِّ شَیْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِر

لِکُلِّ شَیْءٍ»^۳

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

۱- مفاتیح الجنان، دعای عرفه: «خدای من! سیر من در آثار تو مایه دوری دیدار است.»

۲- همان.

۳- همان: «تویی که معبودی جز تو نیست تو خود را به هر چیز شناساندی، پس چیزی نیست که تو را شناسد و تویی که خود را در هر چیز به من شناساندی، پس تو را در هر چیز آشکار دیدم و تو بر هر چیز عیانی.»

غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را^۱

ای آشکارترین پنهان! ای دست‌یافتنی‌ترین دست‌نیافته! ای نزدیک‌ترین دور! ای ظاهر حیات به تو زیبا و دل‌انگیز! و ای باطن آن به تو پابرجا و استوار! کجاست که تو نباشی؟

«كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ»^۲

ای حقیقت حیات و ای حلاوت آن!

کیست که تو را جستجو کرده و دیگری را یافته باشد؟! مگر برای غیر از تو هم ظهور و بروزی نمایان است تا او هدایت‌کننده به سمت تو باشد؟

«أَيُّكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ»^۳

چه بگوئیم ای عشق!

خود نیز می‌دانیم از آن روزی که تو را گم کرده‌ایم چیزی نیافته و حتی خود را هم گم کرده‌ایم. می‌دانیم از آنچه در تمام عمر می‌گریزیم تویی و باز به آن که پناه می‌بریم آن هم تویی و سرانجام در پی این همه فرار و گریز دوباره ما را در آغوش مهربانت جای خواهی داد.

^۱ دیوان کامل فروغی بسطامی.

^۲ مفاتیح الجنان، دعای عرفه: «بأ وجود آشکار بودنت چطور پنهانی و چطور غایبی در حالی که تو دیده‌بان حاضری.»

^۳ همان.

ای لیلاترین!

به ما چشمی عطا کن که تو را در هر لباس ببیند و بشناسد و همانند آن مردان
دلشده، الهی، شیدا، آسمانی و سوخته در عطش عشقت، ما را عاشق‌ترین خود
گردان و این دعا را ذکر روز و شاممان قرار بده که:

دلم در عاشقی آواره شد آواره‌تر بادا ...

www.ketab.ir